



"کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و... این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."



دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان

نمادشناسی پرنده در شعر پنج تن از شاعران معاصر

(نیما، اخوان ثالث، شاملو، سپهری و فرخزاد)

استاد راهنما

دکتر اکبر شامیان ساروکلائی

استاد مشاور

دکتر علی اکبر سام خانیانی

نگارش

سمانه سادات باقرزاده

زمستان 1390

چکیده

این رساله با هدف بررسی، تحلیل و تأویل نمادهای پرندگان در شعر پنج شاعر برجسته‌ی معاصر (نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد) نوشته شده است. نگارنده نخست به ذکر مقدماتی پیرامون مبحث نماد چون تعریف آن در لغت و اصطلاح، انواع نماد، پیوند نماد با دیگر صور خیال و شیوه‌ی فهم نماد پرداخته است. سپس، انگیزه‌ها و عواملی که منجر به شکل‌گیری نماد در شعر شاعران معاصر شده مانند ماهیت شعر، مخاطب، عوامل سیاسی و اجتماعی، ترجمه‌ها، آشنایی با مکاتب هنری نظیر سمبولیسم و تأثیرپذیری از سنت ادبی فارسی بیان شده است. در بخشی دیگر، بازتاب مضامین و معانی نمادین پرندگان در شعر شاعران مورد نظر بررسی شده است. پرندگان در شعر این شاعران معانی سمبولیک متفاوتی را در برداشته‌اند: گاه نماد خود شاعر و ابعاد مختلف روحی و شخصیتی او گشته‌اند و گاه متناسب با اقتضایات زمانی، جو حاکم بر جامعه و حوادث و رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متضمن معانی منفی و مثبت دیگری بوده‌اند. از میان این معانی می‌توان به ظلم، خودکامگی، استبداد، خشم، نفرت، یأس، شکست، مرگ، تقدیر شوم، طمع، انزوا، امید، آرزو، ایثار، سعادت، آزادی، صلح و دوستی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: نماد، پرنده، شعر معاصر فارسی، نیما، اخوان ثالث، شاملو، سپهری، فرخزاد.

فهرست مطالب

8	پیشگفتار
17	فصل اول کلیات و تعاریف
17	1-1- نماد (سمبول) در لغت
18	2-1- نماد در اصطلاح:
19	3-1- نماد در علم بیان
20	4-1- تفاوت نماد با صور خیالی استعاره و تمثیل
20	1-4-1- نماد و استعاره
21	2-4-1- نماد و تمثیل
23	6-1- نماد و اسطوره
25	7-1- شیوه‌ی فهم نماد
28	فصل دوم علل و انگیزه‌های کاربرد نماد
29	1-2- ماهیت ادبی
31	2-2- جامعیت دادن به اثر
32	3-2- تأثیرگذاری بر مخاطب
34	4-2- انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی
39	5-2- عوامل فرهنگی
39	1-5-2- مکتب سمبولیسم
41	2-5-2- تأثیرپذیری از ترجمه‌ها
	فصل سوم بررسی نماد پرندگان در آثار نیما یوشیج، اخوان ثالث، شاملو، سپهری و
45	فرخزاد
46	1-3- اردک
48	2-3- بلبل (هزار)
49	3-3- بلدرچین
52	4-3- بوتیمار

53	5-3- پرستو (چلچله)
55	6-3- توکا
60	7-3- جغد
64	8-3- خروس
70	9-3- درنا (کلنگ)
72	10-3- سار
75	11-3- سیمرغ
78	12-3- عقاب
85	13-3- ققنوس
87	14-3- قو
89	15-3- کبوتر
97	16-3- کَرک
101	17-3- کرکس (لاشخوار)
104	18-3- کلاغ (غراب، زاغ و زاغچه)
116	19-3- لک لک
120	20-3- هدهد
121	21-3- هیبره
126	نتیجه گیری
130	منابع و مأخذ

پیشگفتار

نماد یکی از راه‌های مهم بیان مفاهیم است و در قالب زبانی خاص در برقراری ارتباط از دیرباز در آثار ادبی ملل مختلف کاربرد داشته است. به‌کارگیری سمبول‌های گوناگون به‌ویژه سمبول‌های طبیعت به سبب پیوند عمیق انسان و جهان به ادبا و شاعران این امکان را داده است تا از قابلیت‌های سطوح مختلف زبان نمادین بهره‌مند گردند. در ادبیات معاصر نیز این نوع زبان موجب غنای آثار ادبی به‌ویژه شعر شده است.

پرنده و کاربرد نمادین آن پیشینه‌ای دیرین و پهنه‌ای فراخ در ادب پارسی دارد. در شعر معاصر فارسی برای انتقال مفاهیم فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، روانشناختی و... از نماد پرنده استفاده‌های گوناگونی شده است. در تحقیق حاضر کوشش شده است نمادشناسی پرندگان در شعر پنج تن از شاعران معاصر (نیمایوشیچ، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد) بررسی گردد. این انتخاب به سبب آن است که این پنج شاعر از برجسته‌ترین شاعران نوپرداز و نماینده‌ی شعر نو ایران به شمار می‌روند؛ از این رو در نمایی عام می‌توان پی‌برد که چه عواملی در کاربرد نماد پرنده در شعر معاصر تأثیر داشته و این کاربرد چگونه و به چه میزان بوده است.

اما یکی از مشکلات عمده‌ی پژوهش در این زمینه درک، تأویل و تفسیر نمادهاست. انجام چنین کاری مستلزم این است که خواننده با تمام ذهنیات شاعر- شاعری که در زمان و شرایط خاصی می‌زیسته و تفکرات و روان او متأثر از عواملی درونی و بیرونی بوده است که اکنون دسترسی آسان و زود هنگام به آن عوامل وجود ندارد- تسلط و آشنایی کافی داشته باشد که خود امری دیریاب و مشکل است. از طرفی «اختلاف آفاق ذهنی خوانندگان با یکدیگر و اختلاف آفاق انتظار آنان از یک اثر و نیز تغییر آفاق ذهنی و آفاق انتظار خواننده‌ای واحد در زمان‌ها و احوال مختلف می‌تواند منجر به گزینش امکانات مختلف و در نتیجه کشف معانی متعدد و مختلف از شعر گردد. طبیعی است به سبب همین تاریخی بودن ذهن و در نتیجه اختلاف آفاق ذهنی مخاطبان با آفاق ذهنی شاعر، معانی کشف شده به‌وسیله‌ی خوانندگان اغلب همان معنایی نیست که

شاعر خود احتمالاً از شعر خویش درمی‌یافته است» (پورنامداریان، 1377: 210). در این میان و در فضایی که فهم شعر و عبارات و نمادهای به کار رفته در شعر شاعر امری دشوار به نظر می‌رسد، تنها راه ممکن خوانش شعر با دقت بالا در دفعات مکرر است تا از روی زمینه‌ی معنایی و محتوایی و حتی گاه ساختاری به کلید واژه‌ها و نشانه‌ها و اشارت‌هایی که مقصود اصلی شاعر پشت آن پنهان شده است، پی‌برده شود. گاه نیز ممکن است به خاطر وقوع رویدادی خاص، کسب تجربه‌ای مشترک و یا همانندی خاطره‌ای که خواننده بین خود و شاعر در آن مورد احساس می‌کند، در تأویل، تجزیه و تحلیل نماد به موفقیت بیش‌تری دست پیدا کند.

قابل ذکر است که نباید توقع داشت دریافت یک خواننده از عناصر نمادین شعری با دریافت خواننده‌ای دیگر - چه در برهه‌ی زمانی یکسان و چه در مقاطع زمانی مختلف با یکدیگر - یکی باشد و هر دوی آن‌ها به نتایج مشابهی رسیده باشند. چرا که ماهیت نماد همین است که خوانندگان و مخاطبان آن در تأویل و برداشت‌های متفاوت و متعدد، آزاد بوده و فرصتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد که نبوغ و استعداد و خلاقیت ادبی و هنری خویش را به محک بگذارند که خود مجالی برای گسترش و ظهور ایده‌های نوین و ایجاد گرایش و مباحثی بنیادین و مستقل در عرصه‌ی ادبیات معاصر فراهم خواهد کرد.

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینیان ما چیزی از مقوله‌ی نماد را به صورتی که ما امروز از آن سخن می‌گوییم در منابع علوم بلاغی مطرح نکرده و طبعاً به هیچ‌گونه توضیح و تبیینی در خصوص قواعد و مسائل حول وحوش آن نپرداخته‌اند. آنان تنها به چیزی تحت عنوان «اجمال و اشارت» و یا «رمز» در منابع مربوط به مصطلحات عرفانی و نیز تفاسیر اشعار عارفانه قایل بوده‌اند. این اصطلاحات را در داستان‌های رمزی و قصه‌های نمادین از قبیل حی‌بن‌یقظان، رساله‌ الطیرها، سلامان و ابسال، عقل سرخ و آواز پر جبرئیل که در شمار بهترین و زیباترین آثار عرفانی رمزی ادب فارسی به شمار رفته‌اند، می‌توان یافت.

در عصر حاضر هیچ‌گونه فرهنگ‌نامه، دانش‌نامه، کتاب، مقاله یا پژوهشی که به‌طور مستقل به نمادشناسی پرنده در شعر معاصر پرداخته باشد، چاپ نشده است و اکثر نویسندگان با مباحثی دیگر به این موضوع پرداخته‌اند.

برخی از فرهنگ‌نامه‌ها چه آن‌ها که به قلم نویسندگان خارجی و چه آن‌ها که به قلم نویسندگان ایرانی تألیف شده، جزء منابع پایه و مهم تحقیق بوده است. مانند فرهنگ نمادها اثر ژان شوالیه و آلن گریبان، ترجمه‌ی سودابه فضایی که نمادهای گوناگون و فراوانی را در 5 جلد به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرده است و پرندگان نیز جزئی از آن محسوب می‌شود. نقش نمادین پرنده در این فرهنگ در میان باورها و اعتقادات اقوام و نژادهای مختلف بشر و گاه اساطیر جهانی بررسی گردیده است. در عین این‌که نقاط اشتراک زیادی با معانی سمبولیک پرنده در فرهنگ و ادب فارسی و ایران دارد، اما تفکر غالب بر آن همانا باور مردم سرزمین‌های شرق دور، غرب و اقوام و قبیله‌های آفریقایی و آمریکایی است. از دیگر فرهنگ‌های خارجی که به علت مصور بودن جذابیت بیشتری برای خواننده دارد نمادها و نشانه‌ها اثر میراندا بروس میت فورد، ترجمه‌ی ابوالقاسم دادور و زهرا تاران و فرهنگ مصور نمادهای سنتی از جی. سی. کوپر، ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان است. این فرهنگ‌ها به‌طور خلاصه و مفید در بخش‌هایی مجزا با موضوعات مختلف چون حیوانات، پرندگان، اشیاء رنگ‌ها و... را نمادشناسی کرده‌اند.

در ایران نیز می‌توان به فرهنگ‌هایی معتبر و کارآمد چون فرهنگ‌نامه‌ی جانورن در ادب فارسی از منیژه عبداللهی، فرهنگ اساطیر از محمد جعفر یاحقی، فرهنگ ایران باستان از ابراهیم پورداوود، فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی به سرپرستی حسن انوشه اشاره کرد. از نکات مثبت فرهنگ‌نامه‌های داخلی این است که با فرهنگ و ادب ما مانوس‌تر است. اما به هر روی این فرهنگ‌نامه‌ها نیز نمادهایی را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ارتباط با ادبیات سنتی ماست و در مواردی به روزگاران کهن و ایران باستان می‌رسد و اگر شواهد و نمونه‌هایی را ارائه داده‌اند در شعر شاعران قرون گذشته‌ی ادب پارسی است. در این میان تنها فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی است

که به شعر شاعران معاصر نیز نظری داشته است، اما برخی از نمونه‌های آن در همین حد است که صرفاً بندی کوتاه و یا قسمتی از شعر که پرندوی مورد نظر در آن آمده، ذکر کرده و اشاره‌ای به معانی نمادین آن نداشته است.

از آن‌جا که در این رساله هم‌زمان نمادهای پرندگان در شعر پنج شاعر معاصر مدنظر بوده، باید به مطالعه‌ی کتاب‌های گوناگون که در مورد اشعار این شاعران تا کنون به چاپ رسیده مراجعه می‌شد. کتاب‌های زیادی بررسی گردید اما چنان‌که گفته شد کتابی که به طور مستقل به نمادشناسی پرندۀ پرداخته باشد یافت نشد.

تألیفاتی که در زمینه‌ی ساختار، وزن، محتوا و تحلیل سبک شعر نیما به چاپ رسیده از چهار شاعر دیگر بیشتر است. در کتاب *داستان دگردیسی* از سعید حمیدیان، روند دگرگونی‌های شعر نیمایوشیج بررسی شده و برخی از نمادهای شعری نیما تجزیه و تحلیل شده است. در کتاب *خانه‌ام ابری است* از تقی پورنامداریان با نثری استوار و پخته در مورد شعر نیما و مضمون‌ها و تصاویر شعری‌اش بحث شده است. کتاب‌های *سفر در مه (تأملی در شعر شاملو)* از تقی پورنامداریان و *امیرزاده‌ی کاشی‌ها* از پروین سلاجقه از کتاب‌های ضروری برای نقد شعر شاملو به‌ویژه فهم نمادهای شعری‌اش محسوب می‌شوند که در دفعات مکرر به این کتاب‌ها مراجعه و فیش‌برداری شده است. برای گشایش برخی از رمزهای شعر سپهری چون پرندگان کتاب *نگاهی به سپهری* از سیروس شمیسا یکی از منابع شایسته‌ی توجه است. در مورد فهم نمادهای شعر اخوان ثالث و فرخزاد به نسبت سپهری و شاملو آثار کمتری هست، بنابراین در مورد این دو شاعر بیشتر به زمینه‌ی معنایی خود اثر و گاه مقاله‌هایی که درباره‌ی بحث مورد نظر رساله به چاپ رسیده، اکتفا شده است.

در حیطه‌ی مقاله‌های چاپ شده‌ی مرتبط با موضوع مورد بحث به چند نمونه‌ی بارز می‌توان اشاره کرد: «دوگانگی نگاه شاملو و سپهری به پدیده‌ای مشترک (پرنده-کلاغ)» از کاووس حسن لی و ابراهیم اکبری که به لحاظ تازگی موضوع و دید متفاوت دو شاعر نسبت به یک پدیده

(کلاغ) درخور توجه است. «نماد در اشعار سهراب سپهری» از مهدی شریفیان که در مورد پرندگانی چون جغد، کبوتر و هدهد توضیحاتی داده که به صورتی شفاف و مستقیم این نمادهای شعری بیان نشده و در برخی نمونه‌ها مبحث را نیمه تمام رها کرده است. «نماد پرنده در آثار شاعران فرانسوی قرن نوزدهم میلادی با نگاهی به ادب فارسی» از فریده علوی که از نظر بررسی تاریخی و سیر بهره بردن و به کار گرفتن این نماد در اشعار شاعران غربی و فارسی یکی از بهترین مقالاتی است که نقش پرندگان در آن به درستی مشخص شده است. «از همای تا فیکس» که این مقاله نیز متعلق به فریده علوی است و در بخش پرندگانی که پیشینه‌ای اساطیری و افسانه‌ای دارند، مؤثر و کارآمد است. برخی از مقاله‌ها هم صرفاً یک پرنده را در ادبیات کلاسیک و در شعر شاعری خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. مثلاً مقاله‌ی «هدهد و رمز او» از محمدجعفر معین‌فر که هدهد و رمز این پرنده را در منظومه‌ی منطق‌الطیرِ شیخ فریدالدین عطار مشخص کرده است. مقاله‌های دیگری نیز در ارتباط با نمادهای پرندگان در اشعار سنایی و مثنوی با نام‌های «رمزپردازی پرندگان در حدیقه و دیوان سنایی» و «نماد پرندگان در مثنوی» از مهدیه پرواز و محمدرضا صرفی به چاپ رسیده که اگرچه مربوط به رمزهای پرنده در شعر دو عارف بزرگ و نامدار فارسی در قرن 6 و 7 است، در برخی زمینه‌ها گره‌گشایی‌هایی در تحلیل و تأویل نمادپرندگان در شعر معاصر کرده است.

در زمینه‌ی پایان‌نامه‌ها می‌توان به دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد از مریم علی‌نژاد و احمد رضایی جمکرانی (با عناوین: بررسی نمادگرایی در شعر معاصر فارسی (نیمه، اخوان، فروغ، شفیعی کدکنی) و نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال 1367 تا 1376 با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره) اشاره کرد؛ که پایان‌نامه‌ی نخست نمادهای به کار گرفته شده در مجموعه اشعار هر کدام از شاعران را به دو دسته نمادهای ارگانیک و نمادهای تکرار شونده تقسیم کرده و در پایان هر فصل به نتیجه‌گیری و رسم جدول و نمودارهای آماری پرداخته است. پایان‌نامه‌ی دوم نمادهای مشترک در شعر تمامی این پنج شاعر (قیصر امین پور، هوشنگ ابتهاج،

سیمین بهبهانی، قزوه و و سقمی) و بعد از آن نمادهای اختصاصی آنها را تفسیر کرده و توضیح داده است. اما در دو رساله‌ی مذکور صرفاً نمادشناسی پرنده انجام نشده، بلکه این نماد (پرنده) در لا به لای سایر نمادها به اجمال و گذرا بررسی شده است.

اما در رساله‌ی حاضر کوشش شده است پس از مطالعه‌ی دقیق تمام مجموعه آثار شعری پنج شاعر معاصر (نیما، شاملو، اخوان ثالث، سپهری و فرخزاد) به شناخت پرنده‌هایی که به عنوان نماد در شعر آنان به کار رفته‌اند و سپس تحلیل و تأویل معانی نمادین این پرندگان پرداخته شود.

ضرورت تحقیق

تا کنون درباره‌ی نمادشناسی پرنده در شعر پنج شاعر برجسته‌ی معاصر و نمایندگان شعر نو ایران (نیما، شاملو، اخوان ثالث، سپهری و فرخزاد) کتاب، پایان‌نامه یا پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. بدیهی است از آنجا که این مسأله در دوره‌ای خاص و تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های گوناگون و با بنیان‌گذاری شعر نو از سوی نیما و سپس ادامه دهندگان راه او، به دگرگونی‌هایی در سطح زبانی و محتوایی انجامیده است، پرداختن به این امر به درک بهتر مسأله‌ی نمادشناسی در شعر معاصر ایران یاری خواهد رساند.

اهداف پژوهش

نمادگرایی (سمبولیسم) در شعر، با هر صبغه و زمینه‌ای (اجتماعی، سیاسی، عرفانی و...)، اساساً پیچیده‌ترین فرآورده‌ی تخیل شاعرانه است و البته به سبب گستردگی مفاهیم و بار معنایی که نمادها دارند، تأویل آنها مخاطب را در مسیر نگاه و کیفیت عواطف شاعر هدایت می‌کند. این پژوهش می‌تواند راهی برای تکمیل مباحث نمادشناسی در مطالعه ادبیات معاصر (به‌ویژه شعر نو) باشد. همچنین تحقیقاتی از این دست حتی اگر کامل و جامع نباشد، قطعاً کمک شایانی برای تدوین دانش‌نامه‌های گسترده و کامل‌تری خواهد بود که درباره‌ی نمادها در ادبیات و شعر معاصر ممکن است انتشار یابد.

پرسش‌های تحقیق

1. عوامل کاربرد نماد پرنده در شعر معاصر چیست و کدام عامل اهمیت بیشتری داشته است؟
2. چه پرندگانی در شعر معاصر نقش پررنگ تری داشته‌اند؟
3. نماد پرنده برای بیان چه مفاهیمی در شعر معاصر به کار رفته است؟

فرضیات

1. زمینه‌های روانشناختی، انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی و برخی عوامل فرهنگی بر کاربرد نماد پرنده در شعر معاصر تأثیر دارد. گمان می‌رود انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی بر کاربرد نماد پرنده بیشترین تأثیر را داشته است.
2. پرندگانی که به خاطر ظاهر فیزیکی، رنگ، صوت دل‌انگیز حتی بالعکس صوت نازیبیا و آزاردهنده زبان زد بوده‌اند، شاعران را برای بیان مفاهیم گوناگون متأثر کرده‌اند.
3. شاعران معاصر از طریق نماد پرنده مفاهیمی همچون آزادی، پیروزی، بشارت، شکست، یأس، شناخت هویت فرهنگی، دعوت به مبارزه، خفقان حاکم بر جامعه و... را بیان کرده‌اند.

روش تحقیق و اجزای آن

تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول که مربوط به تعاریف و کلیات رساله بوده، به مباحثی چون نماد و تعریف آن در لغت و اصطلاح، پیوند نماد با دیگر صور خیال و شیوه‌ی فهم نماد پرداخته شده است. در فصل دوم سرچشمه‌ها، انگیزه‌ها و عوامل شکل‌گیری نمادها به‌ویژه در شعر معاصر ایران بررسی گردیده است. در کنار تنظیم و تدوین فصل اول و دوم به خواندن تمامی آثار شعری پنج شاعر معاصر (نیمایوشیج، اخوان ثالث، شاملو، سپهری و فرخزاد) پرداخته شده است. در حین قرائت مجموعه آثار مربوط به فصل سه، در هر قسمتی که شاعر نام پرنده‌ای خاص را در شعر خود آورده و وجه‌های نمادین به آن بخشیده، همراه با نام شعر، شماره‌ی صفحه و این که آن نام چند بار

در سرتاسر شعر تکرار شده، یادداشت شده و برای نام هر پرنده‌ای که به عنوان نماد از آن استفاده کرده فیش جداگانه‌ای تنظیم شده است.

در مجموع و در شعر پنج شاعر بالغ بر 40 نوع پرنده آمده است که البته همه‌ی آن‌ها معنای نمادین ندارند و یا گاه در شعر شاعری پرنده‌ای در مفهوم سمبولیک به کار رفته و در شعر شاعری دیگر همان پرنده با همان اسم خاص از حد آرایه‌ای چون تشبیه، استعاره، تمثیل، کنایه، و... فراتر نرفته است. از میان پرندگان نمادین به دلیل حجم و گستردگی تحقیق، تعداد محدودی که مهم‌ترین مفاهیم نمادشناسی پرنده را بازتاب داده‌اند و نسبت به سایر پرندگان بیشتر دستخوش دگرگونی معنایی شده‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. سپس قسمت‌هایی به عنوان نمونه از شعری که نام پرنده‌ی مورد نظر در آن آمده، بیان شده است.

لازم به ذکر است برای جلوگیری از تکرار، شاعران به تفکیک مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، بلکه اساس کار بر نام پرندگان به ترتیب حروف الفباست. بنابراین، ذیل نام هر پرنده، شعر شاعر یا شاعرانی که برداشتی نمادین یافته با توضیحات لازم آورده شده است.

نکته‌ی دیگر این‌که در این رساله نماد عام پرنده، یعنی چه خود واژه‌ی پرنده و چه صورتهای دیگر آن همچون مرغ، طیر، جوجه، فرخ و ترکیبات توصیفی، اضافی، تشبیهی و استعاری فراوانی که شاعران با این واژه‌ها ساخته‌اند، ملاک تحقیق نبوده و نگارنده به این مضامین نپرداخته است، مگر این‌که واژه‌ی پرنده برای توضیح و تکمیل نام خاص آن آمده باشد. مانند «پرنده‌ی سیمرخ»، که چنین ترکیباتی نام خاص پرنده یعنی خود سیمرخ را تداعی می‌کند و در زیرمجموعه‌ی نام خاص همان پرنده طبقه بندی شده است. شیوه‌ی نگارش در این رساله نیز مطابق رسم الخط مصوب فرهنگستان ادب فارسی است و در ارجاع‌دهی نیز از کتاب *آیین نگارش مقاله علمی- پژوهشی* دکتر محمود فتوحی پیروی شده است. ارجاع به سروده‌ها و شواهدی که از شعر شاعران انتخاب شده در مورد اشعار و قطعه‌های کوتاه به صورت "نام شاعر، سال چاپ

مجموعه‌ی شعری: نام شعر" و در مورد منظومه‌های بلند به صورت "نام شاعر، سال چاپ
مجموعه‌ی شعری: شماره‌ی صفحه" انجام گرفته است.

در پایان از راهنمایی‌ها و دلسوزی‌های بی‌دریغ استاد راهنمای محترم این رساله جناب آقای
دکتر اکبر شامیان که با نظرات گرانبقدر و همکاری‌های مؤثر و شایسته‌ی خود مرا در مسیر پژوهش
و نگارش این رساله یاری نمودند و همچنین استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی‌اکبر
سام‌خانی، مشاور محترم که با اظهارات و پیشنهادهای سازنده و کارآمد، بسیاری از نقاط ضعف
رساله را برطرف ساختند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم و از ایشان به پاس لطف و
روشن‌گری‌هایشان در این راه بسیار سپاسگزارم.

فصل اول

کلیات و تعاریف

1-1- نماد (سمبول) در لغت

«سمبول sambol [فر. symbole. 1] شیء یا موجودی که معرف موجودی مجرد و اسم معنی است؛ نشانه، علامت. 2- مظهر. 3- هر نشانه‌ی قراردادی اختصاری». (معین: "سمبول"). این کلمه در ایران، ابتدا از زبان فرانسه (symbole) با تلفظ سَمْبُول ترجمه شده بود، اکنون نیز با همان تلفظ در زبان فارسی رایج است (قبادی، 1386: 40).

اکثر منابع از قبیل فرهنگ‌نامه، واژه‌نامه و کتاب‌های مختلف، تعریف نسبتاً واحدی را از این واژه ارائه داده‌اند. به عنوان مثال فرهنگ نمادها، نماد را در لغت چنین تعریف می‌کند: «در ابتدا واژه‌ی symbole (نماد) به شیئی دو نیم اطلاق می‌شد، از جنس مینا، چوب، یا فلز، که هر نیمه را دو نفر نگاه می‌داشتند، دو میهمان، طلبکار و بدهکار، دو زایر، دو نفر که مدتی طولانی از یکدیگر جدا می‌افتادند... و با کنار هم قرار دادن این دو نیمه آن‌ها بیعت خود را به یاد می‌آوردند. در میان یونانیان عهد باستان هم سومبولوس علامت شناسایی بود که از طریق آن پدر و مادرها فرزندان سرراه گذاشته‌ی خود را پیدا می‌کردند. سمبول وقتی دو نیمه می‌شد و دو تکه‌ی آن دوباره جمع می‌آمد و واحد می‌شد، نشانه‌ی دو مفهوم جدایی و وصال بود، یادآور جمعی تجزیه شده بود که ممکن بود تجمع دوباره شکل بگیرد. هر سمبول یک تکه‌ی شکسته داشت. بنابراین، مفهوم سمبول هم شکستگی و شقاق و هم چفت و بست دو تکه‌ی شکسته است» (شوالیه و گریبان، 1378. ج 1: 35 و 34).

یا: «نماد چیزی است که چیز دیگری را با شباهت یا تداعی (اغلب اندیشه یا کیفیت) می‌نمایاند. بنابراین «سفیدی»، «شیر» و «گل سرخ» معمولاً نشانه‌ی پاکی، شجاعت و زیبایی هستند» (مارتین، 1382:322).

1-2- نماد در اصطلاح:

نماد اصطلاحی است که طبیعتی تعریف ناپذیر و مفهومی بسیار گسترده دارد، از این‌روست که تنها به ذکر تعاریفی تک بعدی از آن نمی‌توان بسنده کرد. در این قسمت تلاش می‌شود نمونه‌هایی از تعاریف مختلف که برای نماد عرضه شده نقل گردد. «نماد چیزی است و عموماً شیئی کمابیش عینی که جایگزین چیز دیگر شده، و بدین علت بر معنایی دلالت دارد. نماد، نمایش یا تجلی‌ای هم هست که اندیشه و تصور یا حالتی عاطفی را به حکم مشابه یا هر گونه نسبت و رابطه‌ای، چه واضح و بدیهی و چه قراردادی تذکار می‌دهد» (لافورگ و آلدی، 1387:13).

به سخنی دیگر می‌توان گفت «نماد نمونه‌ی برترین است، در آن‌چه آن را به شیوه‌ای رمزی بازمی‌تاباند و بازمی‌نمایاند. از این روی، به ناگزیر در سرشت از گونه‌ای «همه سویگی» و «همه رویگی» برخوردار است. و به «گونه» (-جنس) می‌ماند که به شیوه‌ای رازآمیز و جاودانه همه‌ی «فردها» را در برمی‌گیرد. نماد گویای همه‌ی فردهاست، بی آن‌که یکی از آن‌ها به تنهایی باشد. فردها که پراکنده‌اند و هر کدام به شیوه‌ای آنچه را که در نماد همه سویه و همه رویه شده است در خود دارند، در هم می‌افشوند، با هم در می‌آمیزند، و از آن میان، نماد سر بر می‌آورد که همه‌ی آن‌ها هست، بی آن‌که هر کدام از آن‌ها به تنهایی باشد. نهاد آدمی، در سرشت، جویای یگانگی و یکپارچگی است؛ می‌کوشد از پریشان‌ها و بی‌سامان‌ها، پیکره‌ای در هم تنیده و بسامان بیافریند. این پیکره نماد است» (کنزازی، 162:1372).

با بررسی و مطالعه‌ی منابع مختلف و با توجه به تعاریفی که در این بخش از نماد شد، نگارنده تعریفی را ارائه می‌دهد که کوشش شده ویژگی‌هایی از نماد را که ذکرشان الزامی است در برداشته باشد: نماد واژه‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری و حقیقی ممکن است قدرت تولید بی‌نهایت معنی را در مخاطب داشته باشد. اما این مفاهیم صرفاً قراردادی و جزء معانی بدیهی روزمره نیستند و حتی گاه دارای معانی متناقض، گنگ و ناشناخته هستند که گاه آگاهانه انتخاب می‌شوند و گاه از ضمیر ناخودآگاه فردی یا جمعی اشخاص نشأت می‌گیرند.

1-3- نماد در علم بیان

علم بیان از دیرباز جزء یکی از مباحث جذاب در ادب پارسی بوده است که شاخه‌ای از علوم بلاغت می‌باشد. شاعران و نویسندگان زیادی در آثار خود این اصل را پیروی نموده و کلام خویش را با آن ماندگار و تأثیرگذار کرده‌اند. چه بسا که این علم برای بازگو کردن بهتر و زیباتر مطالب و اندیشه‌هایی که در ذهن شاعر است به یاری او می‌شتابد و گاه سخنی را که بیان آن مستلزم چندین صفحه است به خوبی در یک لفظ یا عبارت می‌گنجاند. از نیمه‌ی قرن دوم هجری تا عصر ما کتاب‌های متعددی در این زمینه تألیف شده است و مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه مباحث بنیادی علم بیان بوده‌اند. اما در بلاغت امروزی با مسائل نوینی همچون صورت نوعی (آرکی تایپ)، اسطوره و... روبرو هستیم که تا پیش از این کاربرد نداشته‌اند. نماد نیز جزء همین دسته می‌باشد و اصطلاح جدیدی است که از روزگار نیما و تأثیر پذیرفتن شاعران از مکتب سمبولیسم فرانسه وارد ادبیات ایران شد. گذشتگان ما در متون و ادبیات عرفانی خویش این صورت خیالی را داشته‌اند اما نه تحت عنوان نماد، بلکه با نام‌های «رمز» و «اشارت» به کار گرفته شده است.

1-4-4- تفاوت نماد با صور خیالی استعاره و تمثیل

از میان صور مختلف خیال، استعاره و تمثیل دو مقوله‌ای هستند که پیوندی نزدیک با نماد دارند. به دلیل اهمیت موضوع در این قسمت به تفاوت‌های مهم و اساسی میان نماد و استعاره و نماد و تمثیل می‌پردازیم تا جایگاه کاربردی هر کدام مشخص و از پیش آمدن اشتباهات احتمالی در زمینه‌ی یکی پنداشتن این صور با یکدیگر جلوگیری شود.

1-4-1- نماد و استعاره

از آن‌جا که نماد و استعاره هر دو به نحوی بر منطق مشابهت و مناسبت مبتنی هستند گاه باعث می‌شود این صورت خیالی با نماد تطابق زیادی پیدا کرده و اشتباه گرفته شود.

«استعاره آن است که نام و عنوان اصلی‌اش را جدا کرده و به دور انداخته‌ایم، مثل این است که دیگر اسمی ندارد و نام دوم را شامل آن قرار داده‌ایم و تشبیه که قصد اصلی ما بوده و در دل نهان مانده و در خاطر پنهان شده، ولی در ظاهر چنان است که گویی این همان چیزی است که در زبان، این نام بر او نهاده شده است» (جرجانی، 1374: 44). ترفندی شاعرانه همچون استعاره علی‌رغم اینکه رمزآلودست و اندیشه‌ای که در آن گنجانیده شده است، راست و روشن نبوده، یک‌باره به ذهن نمی‌رسد و راز آن را می‌باید گشود، اما از آن‌جا که این ترفند به یکبارگی زاده‌ی ناخودآگاهی نیست، همچون نماد دوردست نایافتنی و پیچ در پیچ نمی‌تواند بود، با اندکی درنگ و کاوش در آن رازش را می‌توان گشود و پیام نهفته در آن را به درکشید و دریافت (کزازی، 1372: 126). «هیچ استعاره‌ای به ماهو استعاره، نمی‌تواند نماد باشد؛ چرا که در استعاره، مستعار جانشین مستعارمنه می‌شود، ولی در نماد شیء هم خود و هم مظهر چیز فراتر از خود است. در استعاره از آن‌جا که کلام ما مخیل است، غیر حقیقی است؛ ولی نماد می‌باید علاوه بر جنبه‌ی خیالی که به طور سمبولیک مظهر چیزی واقع می‌شود، در عالم واقع نیز امکان هست شدن داشته باشد» (قبادی، 1386: 60).

یکی دیگر از نکات مهم در مورد تفاوت استعاره و نماد و جود علاقه و قرینه در استعاره است که دو شرط ضروری و جدا ناشدنی آن هستند. مانند این بیت از حافظ: «سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند/ همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند» (حافظ، 1380: 258) سرو در این جا فقط «استعاره» است و نمی تواند نماد تلقی شود، چرا که علاقه و ارتباطی میان معنی حقیقی کلمه و معنی مجازی آن که مورد نظر شاعر است وجود دارد. در این مثال علاقه‌ی شباهت که زیبایی و قامتی بلند میان معشوق شاعر و سرو است مشترک می باشد.

«وجود قرینه در استعاره نیز سبب می شود که: الف- امکان اراده‌ی معنی حقیقی کلمه‌ی استعاره متنفی گردد. ب- معنی مجازی کلمه واضح و تنها همان باشد که متکلم اراده کرده است، بنابراین: ج- خوانندگان همه و همیشه تنها یک معنی مجازی معین از کلمه دریابند. اما عدم وجود قرینه در رمز به عکس سبب می شود که: الف- امکان اراده‌ی معنی حقیقی کلمه وجود داشته باشد. ب- معنی مجازی رمز واضح نباشد و مراد متکلم مکتوم بماند، بنابراین: ج- خوانندگان چه در یک زمان و چه در زمان‌های مختلف معانی مجازی گوناگون از کلمه دریابند» (پور نامداریان، 30:1386).

بنابراین یک کلمه، یا یک نمایه هنگامی نمادین می شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه‌ی خود داشته باشد. در ورای این کلمه یا نمایه جنبه‌ی گسترده‌ای از ناخودآگاهی وجود دارد که به دلیل پیچیدگی این بخش از روان انسان هرگز نمی تواند به گونه‌ی دقیق مشخص شده و توضیح داده شود و چنین برمی آید که کسی هم به صورتی قطعی و حتمی امیدی به انجام این کار ندارد.

1-4-2- نماد و تمثیل

«تمثیل به طور کلی حکایت یا داستان کوتاه یا بلندی است که فکر یا پیامی اخلاقی، عرفانی، دینی و اجتماعی و سیاسی یا جز آن را بیان می کند. اگر این فکر یا پیام به عنوان نتیجه‌ی منطقی